

نقش تعلیم و تربیت در تحقق حکمرانی متعالی اسلامی

محمود صفری، محمدرضا جمشیدی، محمدرضا پاشایی

چکیده

یکی از مسائل مهم جهان امروز تغییرات سریع حاکمان و فرایندهای حکمرانی و مدیریت آنان است. نقش سنتی و تاریخی حاکمان تغییر یافته و به تبع آن، ماهیت فرایندهای حکمرانی و مدیریت در سراسر جهان دگرگون شده است. آنچه بدان بیشتر توجه شده «حکمرانی متعالی» است. هدف از این مطالعه بررسی نقش تعلیم و تربیت در حکمرانی متعالی بود. این پژوهش به صورت مروری صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه کتابها، مقالات علمی داخلی و خارجی بود که در این حوزه به نگارش درآمده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که آموزش و پرورش زمانی می‌تواند در حکمرانی متعالی اسلامی نقش‌آفرینی کند که شش عنصر مهم حکمرانی متعالی از جمله؛ «مشارکت و اجماع»، «حاکمیت قانون»، «عدالت و انصاف»، «شفافیت»، «کارایی و اثربخشی»، «پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری» را از طریق آموزش چندجانبه به‌ویژه از دوران آموزش ابتدایی شخصیت دانش‌آموزان در آن زمان شکل می‌گیرد در جامعه نهادینه کند.

واژگان کلیدی:

حکمرانی، حکمرانی متعالی، تعلیم و تربیت،

مقدمه

قدمت نظام آموزش و پرورش به اندازه تاریخ انسان‌ها است. خداوند با آفرینش آدم، این رسالت بزرگ را در اختیار انسان قرار داد تا با فراگیری علم و دانش، بتواند سیر شناخت عظمت الهی را طی کند و به مقام قرب الهی و خودشکوفایی نزدیک شود. آموزش و پرورش یک جامعه، شهر و روستا، معرف هویت فرهنگی آن منطقه است و می‌توان آموزش و پرورش را به مزرعه دانایی و معرفت تشبیه کرد که ثمره آن، محصولات متنوع و پرکاربردی است که تربیت نیروی متخصص، آگاهی و معرفت، پرورش استعدادها و خوداتکایی و توانمندسازی مدنی و صدها مزیت دیگر، برآیندی از نظام آموزش و پرورش صحیح و پیشرفته یک جامعه است. در تبیین شاخص‌های توسعه انسانی که هر ساله سطح توسعه‌یافتگی کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، توجه به شاخص آموزش و پرورش از مولفه‌های اصلی سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشورها است. محبوب‌الحق، بنیانگذار گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد، هدف توسعه را همان توسعه فرصت‌های انسان‌ها می‌داند که در واقع می‌توان ادعا کرد بستر توسعه فرصت‌های انسان همان شکوفایی استعدادها در سنین کودکی تا جوانی در مدارس است (حیدری چیاپه و کرمی، ۱۳۹۴).

مدرسه اساس و زیربنای هرگونه توسعه و تغییر در جامعه به شمار می‌رود؛ زیرا با تربیت و شکوفایی استعدادها، خلاقیت، تفکر خلاق و قدرت حل مسئله در دانش آموزان، جامعه به تدریج به سمت شکوفایی، بالندگی و توسعه رهنمون می‌شود (چنج، ۲۰۱۱؛ به نقل از صفری و همکاران، ۱۳۹۸).

حکمرانی متعالی^۱ ایده‌ای است که به دنبال ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه مطرح شد. درواقع، این ایده به دنبال آن است که دولت‌ها و به‌طورکلی ساختار اداری و سیاسی را به‌سمتی هدایت کند که کمترین فساد و آسیب‌های درونی که معمولاً باعث تضعیف دستگاه‌های مدیریتی و سیاسی می‌شود، بروز کند. این ایده با سازوکارهایی همچون پاسخگویی بیشتر در بدنه دولت،

¹ Good Governance

قانون محوری، عدالت جویی، مشارکت جویی و کارایی و اثربخشی و...، گرچه دیرزمانی نمی گذرد که به عنوان یک نگرش جدید مدیریتی مطرح شده است، تا کنون مباحث زیادی را پیرامون خود برانگیخته و اندیشمندان بسیاری را به تحقیق و اظهار نظر در این باره واداشته و به یکی از مهم ترین و جذاب ترین مفاهیم در علوم اجتماعی، به ویژه مدیریت دولتی، مبدل شده است (مرشدزاد، ۱۳۹۶).

حکمرانی متعالی اسلامی متکی به مبانی دینی و اسلامی است. در این راستا با لحاظ مبانی اسلامی در خصوص حکومت و حکمرانی مانند اصل حاکمیت قوانین اسلامی و سایر اصول ناظر بر مقوله حکمرانی که از قرآن و سنت اتخاذ شده اند (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴) باید در جامعه اسلامی کشورمان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند؛ از طرفی نظام تعلیم و تربیت که بستر ساز فرهنگ اسلامی است باید در تحقق حکمرانی متعالی اسلامی بکوشد؛ چون نظام تعلیم و تربیت کشور به گونه ای است که نمی تواند بدون اتکاء به مبانی اسلامی به اهداف عالی خود دست پیدا کند.

نظام تعلیم و تربیت کشورمان علیرغم تلاش های ارزشمند صورت گرفته، ضعف های فراوانی دارد؛ ناکارآمدی در تربیت فراگیر انسان هایی تلاشگر، کارآمد، متعهد، پای بند به ارزش های دینی، انقلابی، خلاق، دارای مهارت های حل مسئله، کار گروهی و قدرت تصمیم گیری، نمونه ای از ضعف های نظام تربیتی کشورمان است که ریشه اصلی بسیاری از مسائل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... در آینده می باشد. در این سال ها متخصصان دغدغه مند و دلسوز، الگوهای تربیتی - آموزشی کارآمدتر و اثربخش تر، نسبت به آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور ارائه کرده اند، اما این الگوها فراگیر نبوده و در مقیاس محدودی اثرگذار بوده اند.

از طرف دیگر، ارتقای فراگیر و گسترده نظام تعلیم و تربیت در کشور با کپی کردن الگوهای برتر تربیتی - آموزشی موجود، محکوم به شکست است؛ زیرا شرایط متفاوت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... در مناطق مختلف، مستلزم الگوهای مختص و مناسب آن شرایط می باشد. توجه به نظام های تربیتی - آموزشی کشور برای کاهش بسیاری از مسائل و مشکلات

فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و ... در آینده ضروری می‌باشد و لازم است که نگاه همه‌جانبه به تربیت، در میان معلم‌ها و فعالین تربیتی ترویج شود و معلم‌ها و مربیان نسبت به رشد خود که بر رشد متربیانشان تأثیر مستقیم دارد، دغدغه‌مند شوند و برای آن برنامه دقیق داشته باشند (جلالوند و همکاران، ۱۳۹۶). از طرفی، آموزش و پرورش امری حاکمیتی بوده که با مشارکت حداکثری نهادهای مردمی، خود مردم و تجربه‌های بین‌الملل قابل اداره است. از این رو، پژوهشگران با این مسئله مواجه شده‌اند که نقش تعلیم و تربیت در تحقق حکمرانی متعالی اسلامی چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفهوم حکمرانی متعالی، مفهومی است که چند دهه پیشتر از عمر آن نمی‌گذرد؛ اما تاکنون برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ میلادی برای اولین بار حکمرانی متعالی را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد. علاوه بر این، صندوق بین‌المللی پول نیز با نگاهی معطوف به توسعه، حکمرانی متعالی را به نتایج بهتر توسعه تعریف کرده است. این سازمان در تعریف حکمرانی متعالی، آن را شامل مکانیزم‌ها و فرایندهایی می‌داند که به واسطه آن نهادها، شهروندان و گروه‌ها منافع خود را دنبال می‌کنند؛ حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند؛ تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۳).

همچنین، حکمرانی متعالی یا حکمرانی مطلوب، در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است؛ چراکه ضعف در به‌کارگیری و عملی نمودن اصول حکمرانی متعالی، یکی از مهمترین موانع رشد و توسعه در کشورها محسوب می‌شود (کرمانی و باسرخا، ۱۳۸۸). در فرهنگ لغت آکسفورد حکمرانی به صورت «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). حکمرانی اغلب با نگاهی جدید به محدود نمودن قدرت سنتی

سلسله‌مراتبی (بالا-پایین) و تغییر مسیر آن به‌سوی تصمیم‌های جمعی می‌پردازد. پژوهشگران این حوزه معتقدند ناکارآمدی دولت‌ها در انجام یکه‌تازانه امور موجب خلق این مفهوم شده است (باقری‌مقدم و احمدی، ۱۳۹۷). لذا سیاستگذاران آموزشی نیز هنوز با نگاه سنتی به آموزش سیاستگذاری می‌کنند که این می‌تواند به نقش مهم تعلیم و تربیت بر حکمرانی متعالی اسلامی آسیب جدی وارد کند. حال پژوهشگران در این پژوهش تلاش نمودند تا به نقش تعلیم و تربیت در حکمرانی متعالی اسلامی بپردازند.

اکنون به پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است به‌طور خلاصه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

باقری‌مقدم و احمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی که با هدف آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران انجام داد دریافتند که فقدان انسجام‌بخشی عمودی و افقی، موانع ساختاری در سیاستگذاری آموزشی، تقابل حکمرانی درونی و بیرونی و فقدان پایگاه اطلاعاتی آسیب‌هایی هستند که حکمرانی آموزش را با مشکل مواجه کرده است.

زیاری و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی عوامل موثر بر ارتقاء زیست‌پذیری با رویکرد حکمروایی شهری در شهر بوشهر دریافتند که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی منجر به افزایش سطح زیست‌پذیری و اعتمادسازی در میان مردم می‌گردد.

غفاری و ایگدر (۱۳۹۶) در پژوهش خود پیرامون دولت توسعه‌گرا؛ پیش‌نیاز تحقق حکمرانی متعالی دریافتند که دولت با توجه به مفهوم گسترده توسعه با رفع معضلاتی مانند فقر، گرسنگی، ناامنی و درنهایت با برقراری عدالت می‌تواند زمینه تحقق حکمرانی متعالی را فراهم نماید. همچنین دریافتند که نظریه دولت توسعه‌گرا و ایده حکمرانی متعالی هیچ‌گونه منافاتی با هم ندارند، بلکه دولت توسعه‌گرا پیش‌نیاز حکمرانی متعالی است.

مرشدزاد (۱۳۹۶) با مطالعه‌ای که در حوزه حکمرانی متعالی انجام داد دریافت که حکمرانی متعالی نه تنها منافاتی با الزامات نظام جمهوری اسلامی ندارد؛ بلکه از ضروریات آن به شمار می‌رود و آینده روشن جمهوری اسلامی ایران در گروی توجه جدی به حکمرانی متعالی به ویژه

شش عنصر کلیدی مشارکت و اجماع، حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، شفافیت، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری است؛ چراکه اجرای درست و موثر آن‌ها می‌توانند تضمین‌کننده سلامت نظام سیاسی و مدیریتی این نظام باشند.

حاجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای که پیرامون جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل انجام دادند دریافتند که عناصر حاکمیت قانون از قبیل قطعیت حقوقی، شفافیت و تساوی در مقابل قانون و ... باید مطابق واقعیات و ساختار متفاوت نظام بین‌الملل تبیین شوند.

خاشعی و هرندی (۱۳۹۳) در تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع) چنین نتیجه گرفتند که توجه به مدیریت و عملکرد، فرایندها، شناخت و ارزش‌ها، اخلاق، عدالت، قانون‌مندی و شفافیت لازمه حکمرانی متعالی است که حاکمان بدون تردید باید به آن‌ها جامعه عمل بپوشانند.

سالارزهی و پورحبیب (۱۳۹۱) در مطالعه خود دریافتند که مسیر تحول در ادبیات مدیریت دولتی، تلاشی در راستای یکپارچه‌سازی و انسجام بخشیدن به مبانی نظری اداره امور عمومی است؛ زیرا نظریه‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران مدیریت دولتی در فاصله زمانی دهه‌های پایانی قرن نوزدهم تا آغاز هزاره سوم در سه پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک، مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب قالب‌گذاری گردد. همچنین در این سنخ‌شناسی، پارادایم‌ها بر اساس ترتیب زمانی از اواخر قرن نوزدهم به تدریج شکل گرفته‌اند و پس از دگرگونی، پارادایم‌های جدید جایگزین پارادایم‌های قبلی شده‌اند.

خورشید و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش خود دریافتند که مشارکت و اجماعی که از طریق تعامل و گفت‌وگو میان افراد درگیر در فرایند تصمیم‌گیری گروهی رخ می‌دهد ضامن اجرای تصمیمات اتخاذ شده است؛ چرا که مشارکت در تصمیم‌گیری منجر به افزایش تعهد افراد در اجرای تصمیمات می‌گردد.

هولی‌یر و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه خود دریافتند که شفافیت یکی از نیازهای اساسی

¹ Hollyer et al.

جوامع است که اگر به درستی در جامعه اجرا شود منجر به افزایش سطح رضایتمندی مردم از عملکرد مسئولان و حاکمان می‌شود که به نوبه خود می‌تواند ضمانتی برای ادامه حیات حاکمیت باشد.

ویس^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود پیرامون «حکمرانی، حکمرانی متعالی و حکمرانی جهانی» چنین مطرح می‌کند که عناصر مهم حکمرانی متعالی زمینه‌ساز حکمرانی جهانی خواهد بود. از طرفی، جهان نیازمند مشارکت و اجماع، حاکمیت قانون، شفافیت، کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و تشنه عدالت و انصاف است. چنانچه حاکمانی در دنیا بتوانند چنین بستری را فراهم کنند می‌توانند حاکمیت جهان از آن خود کنند و بر جهان عدالت‌خواه حکمرانی نمایند.

نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شش عنصر «مشارکت و اجماع»، «حاکمیت قانون»، «عدالت و انصاف»، «شفافیت»، «کارایی و اثربخشی»، «پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری» از عناصر مهم و کلیدی حکمرانی متعالی هستند که هر یک از آن‌ها نقش مهمی در بقای حاکمیت خواهند داشت.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا تحلیلی توصیفی بود. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، کتاب‌ها، مقالات علمی داخلی و خارجی و پایگاه‌های اینترنتی معتبری بودند که در این حوزه به نگارش درآمده‌اند. در این تحقیق تلاش شد تا عناصر کلیدی حکمرانی متعالی در بستر تعلیم و تربیت مورد مطالعه قرار گیرند و با دقت بالایی تحلیل و تفسیر گردند. محققان همواره می‌کوشیدند تا دریابند که آیا بین مولفه‌های مهم حکمرانی متعالی و ارزش‌های بنیادی اسلامی منافاتی وجود دارد؟ و این‌که تعلیم و تربیت چگونه می‌تواند در حکمرانی متعالی نقش‌آفرینی کند؟

¹ Weiss

بحث، تفسیر و نتیجه‌گیری

حکمرانی متعالی دارای شاخص‌هایی است که در میان اندیشمندان مختلف به شکل‌های متفاوتی ارائه شده‌اند. در این راستا ویس (۲۰۰۰) در مطالعه خود با عنوان «حکمرانی متعالی و حکمرانی جهانی» شاخص‌هایی همچون مشارکت‌جویی، اجماع‌گرایی، شفافیت، قانون‌گرایی، عدالت‌جویی، اثربخشی و کارآمدی به‌عنوان عناصر حکمرانی متعالی مطرح کرده‌اند. همچنین هاتر و انور شاه مشارکت شهروندان، دولت‌محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی متعالی ذکر نموده‌اند.

نتایج این مطالعه نشان داد که بین مولفه‌های مهم حکمرانی متعالی و ارزش‌های بنیادی اسلامی نه تنها منافاتی وجود ندارد؛ بلکه اجرای درست آن‌ها می‌تواند ضامن بقای حاکمان اسلامی می‌باشد. لذا تعلیم و تربیت باید همواره بکوشد تا زمینه‌ساز حکومتی باشد که مردم احساس آرامش و امنیت داشته باشند. در نهایت این‌که زمینه برای ظهور آخرین منجی عالم و بشریت حضرت مهدی (عج‌الله) فراهم نمایند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعلیم و تربیت می‌تواند بطور چشمگیری در نهادهای سازی عناصر مهم حکمرانی متعالی در جامعه نقش‌آفرینی کند، به شرط آن‌که بکوشد بستر و زمینه مناسب نهادهای سازی هر یک از عناصر کلیدی حکمرانی متعالی را در برنامه‌های درسی خود فراهم نماید؛ زیرا

«مشارکت و اجماع» سنگ بنای اصلی حکمرانی متعالی به‌شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به‌صورت مستقیم یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان باشد (حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱)؛ زیرا اجماعی است که از طریق تعامل و گفت‌وگو میان افراد درگیر در فرایند تصمیم‌گیری گروهی بدست می‌آید (خورشید و همکاران، ۱۳۸۳). این عنصر حکمرانی اشاره به تصمیم‌گیری جمعی دارد که همهٔ آحاد

مردم را در سرنوشت خودشان شریک می‌داند. هر چه افراد بیشتر در تصمیمات اتخاذ شده سهیم باشند به همان میزان نسبت به اجرای تصمیمات متعهدتر و مصمم‌تر خواهند بود. چنین امری زمانی محقق می‌گردد که بستر فرهنگی آن در جامعه فراهم گردد و مردم یقین پیدا کنند که مشارکت واقعی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود.

«حاکمیت قانون» که یکی از دغدغه‌های مهم مردم در تحقق حکومت قانون است به مفهوم تحدید قدرت خودسرانه دولت به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های بنیادین فردی، از ارکان اساسی دموکراسی قلمداد می‌شود. از سوی دیگر در عرصه بین‌المللی، حاکمیت قانون ابزاری در جهت حفظ صلح و امنیت و ترویج و اعتلای حقوق بشر و پابندی ارکان تصمیم‌گیر به مقررات پذیرفته شده است؛ چراکه قدرت دولت با پیروی از قانون در راستای آزادی و خواسته‌های مشروع مردم محدود می‌شود (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین پای‌بندی به قانون از درجات بسیار زیادی در حکمرانی متعالی با رویکرد اسلامی برخوردار است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸)؛ چون هنگامی که حاکمیت قانون در جامعه مطرح باشد نه تنها قانون‌مندی در جامعه ارزشمند تلقی می‌شود؛ بلکه کسانی که از قوانین سرپیچی کنند در جامعه مورد سرزنش قرار می‌گیرند و توسط مردم طرد می‌شوند. «شفافیت» رضایت مردم از دموکراسی را افزایش می‌دهد و چالش‌های نظام دموکراتیک را مهار می‌کند (هولی‌یر و همکاران، ۲۰۱۹). این روزها یکی از عواملی است که مردم به شدت از نبود شفافیت رنج می‌برند که اگر شفاف‌سازی در میان حاکمان حاکم نباشد مردم از مسئولان دلسرد شده و نارضایتی مردم از آن‌ها روزبه‌روز بیشتر می‌شود. لذا حاکمان باید چاره‌اندیشی کنند و شفاف‌سازی را در دستور کار قرار دهند.

«عدالت و انصاف» که به اصل برابری توجه می‌کند پذیرش نتایج عملکرد حاکمان را در میان مردم بالا می‌برد (هوی و میسکل، ۲۰۱۲ ترجمه سلیمانی، صفری و نظری،

۱۳۹۷). بنابراین اگر عدالت در جامعه نباشد انتظار هرج و مرج در جامعه دور از انتظار نیست. لذا حاکمان باید بکوشند تا در حد توان و بضاعت خود عدالت و انصاف را برقرار نمایند تا مایه رضایت مردم شوند و احساس امنیت و آرامش نمایند. «کارایی و اثربخشی» که به درست انجام دادن کار و تحقق اهداف برمی‌گردد (هوی و میسکل، ۲۰۱۲) وقتی در جامعه فرهنگ‌سازی شود همه به دنبال آنند که هم کار درست را انجام دهند و هم کار را به درستی انجام دهند تا اهداف از پیش تعیین شده تحقق پیدا کنند.

«مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی» از عناصر مهمی هستند که افراد ضمن پذیرفتن مسئولیت باید در قبال کاری که انجام می‌دهد پاسخگو باشد. هر چه مسئولان مسئولیت‌پذیرتر و پاسخگوتر باشند اعتماد مردم به حاکمان بیشتر شده و کیفیت زندگی آن‌ها هم بالاتر می‌رود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۷)؛ زیرا انسان مسئولیت‌پذیر و پاسخگو هرگز مسئولیت کاری را که در آن تخصص و مهارت لازم را ندارد، نمی‌پذیرد؛ چراکه می‌داند در پایان کار باید پاسخگو باشد، اما از آنجا که دانش و مهارت لازم و کافی را ندارد نمی‌تواند از عهده مسئولیتش به‌خوبی برآید.

از آنجا که مدرسه کانون زلزله و مرکز تغییر و تحول در جامعه به‌شمار می‌رود سیاستگذاران کلان آموزشی باید به‌گونه‌ای سیاست‌های خود را اتخاذ نمایند تا بتوانند در راستای حکمرانی متعالی بستر نهادینه‌سازی شش عنصر اساسی آن را از نخستین روزهای ورود دانش‌آموزان به مدرسه از طریق گنجاندن مفاهیم آن‌ها در برنامه‌های درسی رسمی، پنهان و فوق‌برنامه به‌طور اساسی آموزش دهند؛ چراکه هر گونه که نونهالان باغ تعلیم و تربیت آموزش ببینند و تجربه کسب کنند در بزرگسالی راحت‌تر آن‌ها را در عمل اجرا کرده و به آن‌ها پای‌بند خواهند بود.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج تحقیق به حاکمان و سیاستگذاران آموزشی توصیه می‌شود که به منظور بقای خود باید به موارد ذیل توجه ویژه داشته باشند و بستر فرهنگی و نهادهای سازشی آن را از پایین‌ترین مقطع تحصیلی (آموزش ابتدایی) فراهم نمایند:

- در اولویت قرار دادن آموزش و پرورش
- مشارکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌های اساسی و احترام به رأی و نظر آنها
- شفاف‌سازی در عمل و پرهیز از شعار صرف
- حمایت همه‌جانبه از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه
- پرهیز از خودرأیی و استبدادگرایی
- پرهیز از هرگونه تبعیض، رعایت عدالت و انصاف نسبت به آحاد مردم
- برخورد با مهربانی و عطف
- توجه خاص به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نسبت به عملکردشان حتی پس از گذشت سال‌ها بعد از مسئولیت‌شان
- توجه به خودسازی و تهذیب نفس و پرهیز از هواهای نفسانی

منابع فارسی

باقری‌مقدم، ناصر؛ احمدی، حسن (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۷۴-۵۵.

جلالوند، میلاد؛ علیزاده، سجاد؛ سعیدانژاد، علی؛ طیب‌زاده، سیدرضا (۱۳۹۶). «برنامه رشد، توان‌افزایی و شبکه‌سازی فعالین تربیتی منتخب شهر گلباف (از توابع شهرستان کرمان). تعالی تعلیم و تربیت، حاجی‌زاده، محمود؛ نژندی‌منش، هیبت‌اله؛ زارعی، محمدحسین (۱۳۹۶). جایگاه حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۷۱-۱۹۷.

حیدری چیانہ، رحیم و کرمی، سونیا (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه انسانی ایران، مالزی و ترکیه تاکید بر شاخص اقتصادی در دهه اخیر (۲۰۰۳-۲۰۰۴)» مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱ و ۲.

خاشعی، وحید؛ هرندی، عطاالله (۱۳۹۳). «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا»، فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، مقاله ۵، دوره ۵، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۸۵-۱۱۰.

خورشید، صدیقه؛ لوکس، کارو؛ معماریانی، عزیزالله (۱۳۸۳). «یک مدل اجماع در تصمیم‌گیری گروهی: رویکرد فازی» مقاله ۷، دوره ۱۱، شماره ۴۱.۴۲، تابستان، صص ۱۴۷-۱۶۹.

دباغ سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸؛ ۱(۳): ۱۸-۳.

زیاری، کرامت‌اله؛ پوراحمد، احمد؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ باستین، علی (۱۳۹۷). «بررسی عوامل موثر بر ارتقاء زیست‌پذیری با رویکرد حکمروایی شهری (مطالعه موردی: شهر بوشهر)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ اول مرداد ۱۳۹۷ شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jhgr.2018.260620.1007729

سالارزهی، حبیب‌الله و ابراهیم پورحبیب (۱۳۹۱). «بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب» فصلنامه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، دوره چهارم، شماره نهم.

شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، شماره ۴.

صفری، محمود؛ سلیمانی، نادر؛ جعفری، پریوش (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل توسعه‌دهنده فرهنگ کارآمدی جمعی معلمان شهر تهران از دیدگاه خبرگان»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۳۵-۳۵۸.

غفاری، مسعود؛ ایگدر، افسانه (۱۳۹۶). «دولت توسعه‌گرا؛ پیش‌نیاز تحقق حکمرانی متعالی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۷، زمستان، ۱۳۹۶، صص ۱۰۳-۱۲۴.

کرمانی، مجید؛ مهدی، باسحا (۱۳۸۸). «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»؛ تحقیقات اقتصادی، بهار ۱۳۸۸؛ ۴۴ (۸۶): ۱۰۹-۱۳۰.

مرشدزاد، علی (۱۳۹۶). «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶. صص ۱۲۵-۱۳۰.

مفتح، محمد هادی؛ قاسمی، غلامعلی؛ کردنژاد، نسرين (۱۳۹۴). «امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۴، ۱۵۱ تا ۱۷۵.

میدری، احمد (۱۳۸۵). «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، رفاه اجتماعی پاییز ۱۳۸۵؛ ۶(۲۲): ۲۶۱-۲۸۷.

میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب: بنیاد توسعه. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. دفتر بررسی‌های اقتصادی.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی». نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین. شماره ۷۶.

هوی، ک. وین؛ میسکل، ج. سیسیل (۲۰۱۲)، «مدیریت آموزشی». ترجمه سلیمانی، صفری و نظری، ۱۳۹۷، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران، ایران.

Hollyer, R. James; Rosendorff, B. Peter; Raymond Vreeland, James (2019). Transparency, Protest and Democratic Stability. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0007123417000308>.

Hoy, W. K., and Miskel, C. G. (2012). Educational Administration: Theory, Research, and Practice (4th ed.). New York: McGraw-Hill.

Weiss, Thomas G. (2000). "Governance, Good Governance and global Governance: Conceptual and Actual Challenges". Third World Quarterly. No. 5. Pp. 795-814.